

پیام حمید نقوایی به مناسبت شروع سال تحصیل جدید

صفحه ۲

بیانیه ۳۷ نهاد و تشکل کارگری و بازنشستگان و فعالین اجتماعی علیه اعدام
حمایت از اعتراضات خانواده ها علیه اعدام، صفحه ۷



کارکنان رسمی نفت پیگیر مطالباتشان هستند

شاهلا دانشفر، صفحه ۳

گسیل بیشتر گله آخوند به مدارس

کاظم نیکخواه، صفحه ۹

تحصیل رایگان یعنی چه؟

مهری امیدوار معلمی از ایران، صفحه ۴

پیشروی های اعتراضات بازنشستگان کدامند؟

یاشار سهندی، صفحه ۵

در اعتراض به مرگ شلیق رسولی مردم قهرمان مریوان و سندج به میدان آمدند

حزب کمونیست کارگری ایران، صفحه ۱۰

تجمعات و بیانیه های علیه اعدام را باید گسترش داد

حزب کمونیست کارگری ایران، صفحه ۸

زنان و مردم آزاده سندج دست به تجمع زدند

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، صفحه ۱۰

آخرین وضعیت معلمان و کارگران بازداشتی

کمیته برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۰

بیانیه انجمن صنفی معلمان کردستان مریوان، در خصوص تجمع اعتراضی اخیر

مردم مریوان

صفحه ۱۱

به مناسبت فرارسیدن سال تحصیلی جدید و بازگشایی مدارس سال تجدید مبارزه

برای یک آموزش و پرورش شاد و انسانی

کودکان مقدمند، برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۱

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شاهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۴۴

۲۱ شهریور ۱۴۰۱

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۲



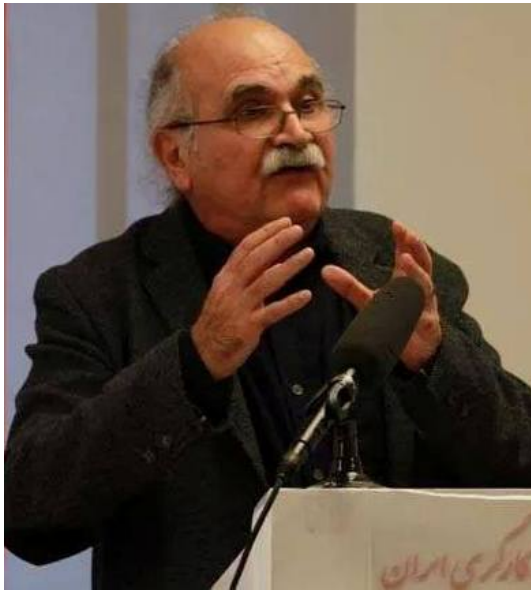
چهارشنبه ها منتشر میشود

سومین روز اعتصاب
کارگران کارخانه کیان نایر
و تجمعات خدمتگزاران
مدارس در چند شهر
صفحه ۶

اعتراضات بازنشستگان
فولاد اصفهان، کارگران
شهرداری زرنه و کارون و
مریان در اهواز
صفحه ۶

اعتصاب و اعتراض
کارگران پتروشیمی دنا و
پتروشیمی راک اسلام
آباد و بازنشستگان فولاد
صفحه ۴





پیام حمید تقوایی بمناسبت بازگشائی مدارس

(متن کتبی پیام ویدئویی)

با سلام و درود به شما مردم آزاده ایران! در همه کشورها باز شدن مدارس همراه است با شادی و شغف دانش آموزان و خانواده های آنها. ولی در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی اینطور نیست. اینجا بازگشائی مدارس به عذاب الیمی برای خانواده ها تبدیل شده. هزینه تحصیل چنان سرسام آور است که بسیاری از خانواده ها قادر به تامین آن نیستند، حتی اگر یک فرزند دانش آموز داشته باشند. بنابر برآوردی که دولت اخیراً منتشر کرده هزینه تحصیل یک دانش آموز بالغ بر ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان است. روشن است که بسیاری از خانواده ها قدر به تامین این هزینه نیستند. در سال گذشته بنابر آمار دولتی ۳۵ درصد دانش آموزان، کودکانی که باید بمدرسه میرفتند، از تحصیل محروم شدند تنها به این دلیل که خانواده هایشان قادر به تامین هزینه تحصیلی آنها نبودند.

جمهوری اسلامی بر روی کاغذ تحصیل رایگان را برسمیت شناخته ولی عملاً به اخاذی از دانش آموزان و خانواده هایشان مشغول است. تحت عنوان هزینه ثبت نام، هزینه ایاب و ذهاب، به بهانه کمک بمدرسه و حتی برگزاری امتحانات و اعلام نتیجه امتحانات جمهوری اسلامی از خانواده ها اخاذی میکند. سیستم آموزشی برای حکومت تبدیل شده است به محل کسب درآمد؛ محل چپاول

معلمان هم در مبارزاتشان به این صورت این خواست را مطرح میکنند که

خواستار یک آموزش پرورش مدرن، انسانی و بری از ایدئولوژی هستند. و ایدئولوژی در جمهوری اسلامی ایدئولوژی مذهبی است. جای مذهب در مدارس نیست. باید مدارس کاملاً سکولار باشند، غیرمذهبی باشند، نباید علم را با خرافه آلود و به این ترتیب به مغزشوئی کودکان پرداخت. سیستم آموزش و پرورش باید از مذهب بری باشد.

هر سال با باز شدن مدارس مبارزه معلمان هم دور تازه ای را آغاز میکند و امسال هم بی شک چنین خواهد بود. ما خانواده های دانش آموزان، باید با حمایت فعال از این مبارزات خواستهای بر حق خودمان را به پیش ببریم و آنها را متحقق کنیم. نه فقط خانواده های دانش آموزان

بلکه این وظیفه همه ما، همه فعالین جنبشهای مختلف اعتراضی، نهادها و انجمن ها و سمن ها و چهره ها و شخصیتهای مبارزاتی در عرصه ها مختلف است که به مبارزه معلمان به پیوندیم و از خواست تحصیل رایگان و مذهب زدائی از مدارس با تمام قدرت حمایت کنیم. ما میتوانیم متحد و یکپارچه جمهوری اسلامی را در این عرصه به عقب برانیم و خواستهای انسانی خودمان را به کرسی بنشانیم. این در گرو اتحاد و مبارزه همبسته همه ما مردم ایران است. بار دیگر به شما درود میفرستم و برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی دارم!

حمید تقوایی

۱۹ شهریور ۱۴۰۱، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۲

عبور جامعه از طرح "صیانت از تشکلهای" - شهلا دانشفر

خبرگزاری ایلنا گفتگویی با احمد حیدری وزیر کشور در مورد طرح "صیانت از تشکلهای" داشت. شرط تأیید صلاحیت تشکلهای توسط سپاه پاسداران موضوع بحث آفرین این طرح و این گفتگو بود. حیدری این را "ساماندهی تشکلهای" و جلوگیری از پراکندگی خواند و از آن دفاع کرد.

اولین ترکشهای این طرح نهادهایی را که از سوی باندهای حکومتی ایجاد شده گرفته و موجب تشدید نزاعهای حکومتیان شده است. اخیراً انحلال نهاد "جمعیت امام علی" از خودی های حکومتی با



تشکلهایی مردمی متفاوت با نهادهایی چون "جمعیت امام علی" که به هیچ جناحی از حکومت وصل نیستند. نهادهایی که با گفتمان ایجاد تشکل حق ماست و نیاز به مجوز ندارد، ایجاد شده اند.

امروز جامعه فراتر رفته و شاهد سازمانیابی در اشکالی چون شورای

هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و مجمع عمومی هایی از نوع نظرسنجی های شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان صنعت نفت در میدیای اجتماعی هستیم. طرحهایی چون "صیانت از تشکل" و "صیانت از فضای مجازی" محکوم به شکستند.

(مندرج در ژورنال شماره ۲۱۰)

کارکنان رسمی نفت پیگیر مطالباتشان هستند

شهلا دانشفر



است و مصائب و گرفتاری های بسیاری برای آنها ایجاد میکند و وزارت نفت در راستای پوشش هزینه این کارکنان باید فوراً ماده ده را اجرایی کند. بعلاوه این کارکنان خواسته های دیگری چون پرداخت پی بک ماده ده، بازپرداخت مالیات های سنگینی که طی سالها از حقوق آنها کسر شده است حذف مالیات های سنگین مصوب بر حقوقشان است. این کارگران بر بهبود وضع درمان و بهداشت و رایگان بودن آن برای همه کارگران و پایان دادن به انتصابات و پارتی بازی در استخدامها و دزدی ها و اختلاس ها و اصلاح اساسنامه صندوق های بازنشستگی هستند. بعلاوه کوتاه شدن دست پیمانکاران از مراکز نفتی، لغو قوانین مناطق ویژه اقتصادی در مراکز نفتی، ایمنی محیط کار و داشت حق تشکل و تجمع از دیگر مطالبات مهم اعلام شده در بیانیه های کارکنان رسمی نفت است که مبارزات آنها را به دیگر بخش های نفت وصل میکند. از خواسته ها و مبارزات کارکنان رسمی نفت باید سراسری حمایت و پشتیبانی کرد.

دادند. ماده ده قانونی مربوط به شیوه ترمیم حقوق و مزایای کارکنان رسمی نفت است. به گفته کارگران با اجرای ماده ده به مزد هر کارگر رسمی نفت دست کم دو میلیون اضافه میشود. بر اساس ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، نظام های اداری و استخدامی و پرداخت حقوق و مزایای آن دسته از کارکنان شرکت های تابعه وزارت نفت تابع آیین نامه خاصی است که بدون الزام به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری با رعایت سایر قوانین و مقررات مربوطه و با پیشنهاد وزارت نفت و تایید معاونت توسعه مدیریت تهیه و حداکثر ظرف شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس جمهور می رسد. ماده ده در سال ۹۱ به تصویب رسیده است و از سال ۹۳ نهایی شد و بودجه گرفتند اجرایی نشد. در زمان وزارت زنگنه اجرای آن متوقف شده است.

بنا بر خبرها همه مراحل اجرایی ماده ده روشن است و کفایت که وزیر نفت آنرا امضا کند تا به جریان بیفتد. به گفته کارکنان رسمی نفت هزینه کار در مناطق عملیاتی به بهای فروش زندگی و جان آنها

ماه ده و دیگر مطالبات مزدی و کاری حلقه اتحاد این کارگران است. جالب اینجاست که حکومتیان با گرفتن جلوی برخی از کانالهای تلگرامی کارکنان نفت سعی میکنند سازماندهی اعتراض در میان این کارگران را تضعیف کنند. اما کاربرد استفاده از مدیای اجتماعی آنچنان گسترده است که اینگونه تشبثات نمیتواند خللی ایجاد کند.

بعلاوه این کارگران طی نامه ای خطاب به مقامات نفت خواستار برخورد با مسببین و آمران برخورد قهری با تجمع همکارانشان مقابل وزارت نفت در دوازدهم شهریور شده اند.

از سویی دیگر جمعی از کارکنان رسمی وزارت نفت در سایت معلوم الحال "فارس من" وابسته به سپاه سوژه ای با عنوان "درخواست اجرای قانون ماده ۱۰ وزارت نفت"

به ثبت رساندند. بیش از یازده هزار نفر از کارکنان نفت رفتند و امضاء کردند و با تاکید بر اجرای فوری ماده ده پیگیر مطالبه خود شدند و اولتیماتوم دادند که اگر این ماده اجرایی نشود تجمع بیست و هشتم شهریور برگزار خواهد شد. بدینگونه جواب فارس من ها را هم محکم

کارکنان رسمی نفت جهت پیگیری خواسته هایشان طی یک نظرسنجی در گروه هایشان تصمیم به تجمع به همراه خانواده ها برای روز بیست و هشتم شهریور را گرفته اند. در این میان در دوازدهم شهریور شماری از این کارگران در تهران مقابل وزارت نفت تجمع داشتند که با یورش نیروی انتظامی روبرو شد و نزدیک به هفتاد نفر بازداشت شدند. اما بعد افراد بازداشتی با اخذ تعهد آزاد شدند. بدنبال این اتفاق کارکنان رسمی نفت اولتیماتوم دادند که اگر اسامی کارگران بازداشتی به حراست تحویل داده شود، دست به اعتصاب گسترده خواهند زد. این کارگران طی بیانیه ای اعلام داشتند که پاسخ عمل شنیع نیروی انتظامی در دوازده شهریور را در تجمعات سراسری خود در بیست و هشتم شهریور خواهند داد. زیر فشار این اعتراضات گفته میشود که معاونت برنامه ریزی به همه واحدها نامه داده است که تیم کارشناسان مشغول تدوین آیین نامه اجرایی ماده ده هستند. یک تلاش حکومت ایجاد تفرقه در صفوف کارگران است. اما خواست اجرای

پتروشیمی مهر به علت فسادهای گسترده در آستانه ورشکستگی قرار گرفت



نمونه تازه دیگری از فساد؛ این بار پنج هزار میلیارد تومان گم شد

ژاپنی - تایلندی پیشنهاد می دهد که بسیار پایین تر از ارزش اصلی سهام بود. اما اتفاق جالب اینجاست که پس از روی کار آمدن شرکت ایتالیایی، یکی از اعضای شورای قیمت گذاری به نام علی حسینی، به عنوان مدیرعامل جدید معرفی می شود و حقوق ۲۶ هزار دلاری علی حسینی یکی از تخلفاتی است که اکنون از آن سخن گفته می شود.

(برگرفته از کانال تلگرامی اتحادیه آزد کارگران ایران)

سرمایه گذاری ۶۰ درصدی کنسرسیوم ژاپنی- تایلندی و سرمایه گذاری ۴۰ درصدی شرکت صنایع ملی پتروشیمی ایران احداث شد. سال ۹۷ سهام دار خارجی درخواست فروش سهام خود را به هلدینگ «خلیج فارس» اعلام می کند. هلدینگ «خلیج فارس» از فرصت مالکیت صد در صدی این پتروشیمی استفاده نمی کند و با اختلاف نظر در مورد قیمت پیشنهادی طرف خارجی معامله لغو می شود. طرف خارجی سهام خود را به یک شرکت بی نام و نشان ایتالیایی در صنعت پتروشیمی می فروشد.

به گزارش اقتصاد آنلاین، عامل اصلی اختلاف نظر طرف ایرانی و طرف خارجی در این معامله شورای قیمت گذاری بود. شورای قیمت گذاری رقمی را به طرف

این شرکت از زیرمجموعه های هلدینگ «خلیج فارس» است. براساس گزارش سازمان بازرسی در پرونده پتروشیمی مهر، واگذاری ۶۰ درصد از سهام شرکت به سرمایه گذار ایتالیایی و بیش از ۵ هزار میلیارد تومان ارزش صادراتی گمشده و تبانی و بدهی ۳ هزار میلیاردی و حقوق های نجومی و تخلفات بورسی و... مشاهده می شود.

این خبر تنها چند هفته پس از رسوایی انتشار گزارش تحقیق و تفحص درباره اختلاس ۹۲ هزار میلیارد تومانی فولاد مبارکه منتشر می شود و تازه ترین نمونه از فساد گسترده و سیستماتیک است که تمامی اجزای جمهوری اسلامی را در برگرفته است.

پتروشیمی مهر سال ۸۴ با

گم شدن پنج هزار میلیارد تومان دیگر در یکی از شرکت های پتروشیمی آن را به آستانه ورشکستگی رساند. براساس گزارش های منتشر شده، پتروشیمی «مهر» تولیدکننده پلی اتیلن به دلیل تخلفات سهام دار خارجی این شرکت در آستانه ورشکستگی و تعطیلی قرار گرفته است.

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



تاکیدات پایه ای ما بر خواسته‌های فوری زیر تاکید میکنیم و از همه خانواده ها و فعالین دفاع از حقوق کودک و همه مردم میخواهیم که بیایید تا در دفاع از حقوق کودکانمان خواسته‌های فوری زیر را طلب کنیم:

- شهریه ممنوع. گرفتن پول از خانواده ها برای ثبت نام در مدرسه به هر دلیل و بهانه ای باید ممنوع شود.

- کتابهای درسی باید با استاندارد قابل قبول متناسب با رشد علم، بدور از خرافه، بدور از هر گونه تبعیض جنسیتی باشد. کتابهای درسی باید به رایگان در اختیار کودکان قرار گیرد.

- لوازم التحریر و لباسهای فرم دانش آموزان و لوازم ورزشی و غیره همه و همه باید در مدارس به رایگان در اختیار دانش آموزان قرار گیرد. باید با توجه به پیشرفت تکنولوژی از یک تبلت و گوشی هوشمند به رایگان در اختیار همه کودکان قرار گیرد.

ما در جریان بحران کرونا شاهد بودیم که در شبکه شاد خانواده ای توانسته بود فقط یک گوشی تهیه کند و بخاطر همزمان بودن کلاسهای آموزشی فقط یکی از فرزندان خانواده میتواند از آموزش برخوردار شود. یا پدر خانواده گوشی را داشت و کودکان باید صبر میکرد تا پدر از سر کار بیاید و آموغ دیگر کلاسها تمام شده بود.

- بیمه درمانی حق همه مردم است. دانش آموزان باید بیمه باشند و از درمان رایگان و کنترلهای پزشکی بموقع برخوردار

تحصیل رایگان یعنی چه؟

مهری امیدوار معلمی از ایران

تامین شود و برای بقاء ناگزیر به فرستادن کودکان خود به کار خیابانی نباشند. کار کودک یعنی قربانی شدن کودکی و آینده این انسانهای کوچک. یعنی افتادن آنها به دام باندهای خطرناک قاچاق و مواد مخدر، یعنی تحمیل یک زندگی نامنم و خطرناک به کودک.

۳- تحصیل رایگان اما بدون کیفیت معنی ندارد. آموزش و پرورش در ایران اسلامی، جنسیتی و نابرابر و طبقاتی است. چنین آموزش و پرورش نتایج اش محروم ماندن میلیونی کودکان از تحصیل است.

در عین حال در این سیستم آموزشی نه فقط بخش بزرگی از کودکان از تحصیل محروم میشوند، بلکه یک نوع کودک آزاری است. کودکی را از کودک میگیرد و بسیاری از کودکانی را که به مدرسه راه می یابند از درس و تحصیل بیزار میکند.

افسردگی و سرخوردگی ایجاد میکند و چیزی جز یک فاجعه نیست. از همین رو خواست اول ما معلمان تحصیل رایگان برای همه کودکان و لغو مدارس خصوصی و پایان دادن به کالایی شدن آموزش است. ما خواستار غیر طبقاتی بودن آموزش و آموزشی یکسان و برابر برای همه کودکان هستیم و یک تاکید ما بر غیر ایدئولوژیک بودن آموزش و آموزشی مدرن و شاد و انسانی بوده است. ما با این خواستها به کل وضعیت اسفبار آموزش و پرورش اعتراض داریم. بر اساس این

من یک معلم از ایران هستم. بحشم بر سر تحصیل رایگان است. معنای واقعی آنرا از منصور حکمت و برنامه یک دنیای بهتر آموختم و به سهم خود تلاش کردم تک تک نکاتش را به کف خیابان ببرم و به گفتمان جامعه تبدیل کنم. و وقتی بنر آنرا بدست گرفتم و فریاد زدم دیدم ما زیادیم. بله تحصیل رایگان خواست همه مردم است. و به باور من فریاد این مطالبه است که معلمان را در دل مردم محبوب کرد و اعتراضات ما به یک جنبش اجتماعی تبدیل شد. اما بگذارید نکته به نکته باور خودم از تحصیل رایگان را بگویم.

۱- تحصیل رایگان و اجباری حق همه کودکان است و این مطالبه اول همه ما مردم است. تحصیل رایگان شامل همه کودکان است و باید به پدیده کودکان بی هویت و بی شناسنامه که حداقل یک میلیون کودک افغانستانی را در بر میگیرد خاتمه داد و همه این کودکان باید حق شهروندی برابر و هویت و شناسنامه و تحصیل رایگان برخوردار شوند.

۲- باید کار کودکان ممنوع شود و به خانواده هایی که بدلیل فقر اقتصادی ناگزیر به خارج کردن فرزندانشان از تحصیل میشود مقرری ماهانه پرداخت شود تا زندگی شان در حد قبال قبولی

اعتصاب و اعتراض کارگران پتروشیمی دنا و پتروشیمی راک اسلام آباد و بازنشستگان فولاد

- روز ۲۰ شهریور جمعی از معلمان و خانواده‌های دانش‌آموزان استثنایی در اعتراض به ایجاد محدودیت جدید حمل و نقلی برای این دانش‌آموزان مقابل آموزش و پرورش تجمع کرده و خواستار رفع مشکلات و پاسخگویی در چند روز آینده شدند. آنها اعلام کردند که اگر جواب نگیرند دوباره تجمع خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ شهریور ۱۴۰۱، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

آمده‌اند. تجمعات قبلی آنها در سیزدهم شهریور برپا شد.

اشاره کنیم که بازنشستگان تامین اجتماعی بدنبال اعتراضات گسترده، موفق به اجرایی شدن این مصوبه و پرداخت آن از شهریور شدند و اکنون بازنشستگان فولاد نیز بر اجرایی شدن آن تاکید دارند. بعلاوه افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن از دیگر مطالبات اعلام شده همه بازنشستگان در سطح کشور است.

بازنشستگان فولاد در شهرهای اصفهان، بافق و تهران با خواست اجرایی شدن افزایش سالیانه (حداقل ۳۸ درصد بعلاوه ۵۱۵ هزار تومان) و پرداخت معوقات ۱۸ ماهه همسان سازی از سال ۹۹ مقابل صندوق بازنشستگی در این شهرها دست به تجمع زدند. در اصفهان بازنشستگان با شعار "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" بر مطالبات خود تاکید داشتند. این بازنشستگان بطور مستمر یکشنبه های هر هفته برای پیگیری و رساندن صدای خود در دستیابی به مطالباتشان به خیابان

-- روز ۲۰ شهریور کارگران شاغل در پتروشیمی دنا فاز دو منطقه پتروشیمی عسلویه در اعتراض به عدم دریافت حقوق ماههای تیر و مرداد دست به اعتصاب زدند.

- روز ۲۰ شهریور کارگران بخش ساخت مخزن و پایپ راک پتروشیمی اسلام آباد غرب که با پیمانکاری قیاسی کار میکنند در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق های تیر و مرداد خود دست از کار کشیدند.

- ساعت ده صبح روز ۲۰ شهریور



پیشروی های اعتراضات بازنشستگان کدامند؟

یاشار سهندی

طبق اخبار منتشر شده فیش های حقوقی شهریورماه بازنشستگان تامین اجتماعی صادر شده و افزایش حقوق سایر سطوح مزدی طبق مصوبه شورای عالی کار اعمال شده است. خبری است خوش در انتهای یک مبارزه پیگیرانه و نابرابر برای بازنشستگان و بیشتر از آن برای طبقه کارگر ایران.

کسی در کانال تلگرامی شورای بازنشستگان ایران یادآور شده: "گرچه این میزان افزایش (38 درصد به اضافه 515 هزار تومان) هم دیگر تکافوی هزینه های جاری زندگی را نمیکند اما تا همینجا هم مبارک وجود بازنشستگانی باشد که خیابان را رها نکردند." نویسنده این یادداشت ادامه داد: "در تاریخ خواهند نوشت که در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، بازنشستگان به مصاف با دولتها و نهادهایی رفتند که حقوق آنها را زیر پا گذاشتند و تصورشان این بود که صدای مطالبه گری را با بگیر و ببند و تهمت های امنیتی خاموش خواهند کرد. اتحاد و همبستگی بازنشستگان بالاخره سماجت دولت در پافشاری بر اقدام غیرقانونی اش را درهم شکست و وادار به پذیرش خواسته برحق بازنشستگان سایر سطوح مزدی تامین اجتماعی گردید."

به راستی در تاریخ خواهند نوشت در مصافی نابرابر در مقابل حکومتی سفاک، که به هیچ بنی بشری رحم نمی کند و تنها زبانی که میشناسد باطوم و گلوله در خیابان و شکنجه و طناب دار در زندان است بخشی از طبقه کارگر در ایران پا به میدان مبارزه گذاشت که عرفا و سنتاً از کار که بازنشسته میشود گویا دیگر به طبقه کارگر تعلق ندارد و هیچ ربطی هم به سوخت و ساز این طبقه ندارد. گویا کاری ندارد جز اینکه منتظر مرگ بنشیند؛ یا اینکه برای تامین زندگی تن با کاری دیگر بدهد و اینبار چون بازنشسته است بی حقوق تر از یک کارگر شاغل تعریف میشود. بازنشستگی برای این دسته از کارگران نه یک امتیاز، بلکه به یک نکته منفی تبدیل میشود، که باید خودش را از چشم "ماموران قانون" مخفی کند، و

کارفرما به این بهانه او را ایزوله میکند. از سوی دیگر نه خود او و نه کارگر شاغل دیگر خود را همدرد نمی یابند. اما کارگران دیروز، بازنشستگان امروز با مبارزات شجاعانه شان توانستند این تصور غلط را در هم بشکنند.

حکومت کارگران شاغل را به انواع و اقسام کارگر قراردادی، پیمانی و روزمزد تقسیم کرده، و حقیقت این است با این ترفند موفق شده ضربه کاری بر جنبش کارگری بزند. اما این تقسیم بندی های تحمیلی حکومت سرمایه اسلامی در مورد کارگران بازنشسته بی معنی شده، و این خود به یکی از نقطه قوتهای اعتراضات بازنشستگان تبدیل شد. با تقسیم شدن بازنشستگان "حداقل بگیر" و "سایر سطوح مزدی" که در نتیجه شیوه و نوع تعیین میزان مستمری بازنشستگی پیش می آید، رژیم اسلامی سرمایه سعی کرد این را هم بهانه تمکین نکردن به خواسته بازنشستگان سازد. حکومت یکی از بهانه هایش این بود که حداقل بگیران ۶۰ درصد جمعیت بازنشستگان را تشکیل میدهند و در نتیجه با افزایش ۵۷ درصدی حقوق این بخش از مستمری بگیران منت سر بازنشستگان هم داشتند (۱)، اما این حقه بازیها هم کارساز نشد و بازنشستگان پیگیرانه بر خواسته خود پافشاری کردند.

سرکوبگریها حکومت و ممانعت شدیدش در شکل گیری هر گونه شکل کارگری در مکانی معینی، خیال حکومت را ظاهراً راحت ساخته بود که اتحاد کارگری شکل نخواهد گرفت. بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در یازده سال پیش در کف خیابان تجمع اعتراضی علیه عدم پرداخت حقوق داشتند. و "مبارزه و اعتراض بازنشستگان" از آن زمان در جنبش کارگری موضوعیت یافت. در بطن همین مبارزه مشخص بود که مجمع عمومی در کف خیابان شکل گرفت و در واقع نقطه شروع این حرکت بود که فقط در کف خیابون، حق بدست آمدنی است. با گسترش شبکه های اجتماعی، طبقه کارگر ایران توانست بر مانع جدی که حکومت ایجاد کرده بود تا اتحاد مبارزاتی

کارگران شکل نگیرد، غلبه پیدا کنند. شبکه های اجتماعی در واقع به ستاد تشکل ها تبدیل شد و کف خیابان به میدان مبارزه. بازنشستگان در طی مبارزات خود به بهترین وجه از امکانات شبکه های اجتماعی استفاده کردند و این خود را در هماهنگی شعارها، مکانها، و زمان مبارزات به خوبی نشان داد. همه بگیر و ببندها و تهدیدات حکومت نیز نتوانست مانعی بر سر مبارزه بازنشستگان ایجاد کند.

در شهرهای کوچک و یا چندین شهر در یک استان، عملاً مسئله مبارزه و اعتراض بازنشستگان و زندگی کارگران به مسئله کل شهر و استان تبدیل شد. باید یادآور شویم پیش از این هم کارگران هفت تپه با کشاندن مبارزه خود به خیابانهای شهر شوش و موقعیت نیشکر هفت تپه در این شهر، کل شهر را درگیر مبارزه کرده بودند. این تجربه موفق در مبارزات بازنشستگان تکرار شد اما در سطح سراسری. پیشروی مهمی که میتواند راهنمای مبارزات بخش های دیگر طبقه کارگر باشد. مسئله یک کارخانه را در صورت وجود کوچکترین امکان باید به مسئله کل شهر تبدیل کرد. باید مبارزه از حصار شرکتها و کارخانجات را به کف خیابانها شهرها کشاند و به مسئله همه شهر تبدیلش کرد.

مبارزات بازنشستگان در عرصه خواست افزایش حقوق مصوبه حکومت، به ثمر نشست اما مطالبات کارگران بازنشسته هنوز بطور کامل محقق نشده، که مهمترین آن همسان سازی حقوق هاست. از سوی دیگر، چند ماه دیگر؛ بار دیگر مسئله افزایش و تعیین پایه حقوق های سالانه مطرح میشود. بطور سنتی (یک سنت اشتباه) مبارزه بر سر تعیین مقدار افزایش دستمزد مسئله کارگران شاغل است. اما مبارزات سال ۱۴۰۱ نشان داد که این در واقع مسئله کل طبقه

کارگر، بخصوص بازنشستگان هم هست. از سوی دیگر حکومت در پی این است در صورتی که توانش برسد سن بازنشستگی را افزایش داده و دریافتی های کارگران در آستانه بازنشستگی را کاهش دهد و نیز تعیین مستمری بازنشستگی را با افزایش میانگین دو سال آخر به پنج سال آخر دریافتی کارگران بیمه شده، عملاً باعث سقوط مستمری بازنشستگی گردد. اینها مسایلی نیست که تنها به یک بخش از کارگران مربوط باشد. اینها مسئله همه کارگران اعم از قراردادی و پیمانی و روزمزد و بازنشسته است. با تجربه و دستاوردهای مبارزات کارگران بازنشسته در سالهای گذشته و بخصوص سال ۱۴۰۱ و با اتکاء به آن باید در این موارد حکومت را وادار به عقب نشینی کرد. همچنین باید یادآور شد که مبارزات کارگران بازنشسته در بطن یک مبارزه اعتراضی سراسری علیه حکومت شکل گرفت و تداوم یافت. و پیشرویهای مبارزات کارگران بازنشسته میتواند سبب گسترده تر شدن مبارزات کل طبقه کارگر علیه حکومت اسلامی شود. از جمله شاهد بودیم که در اعتراضات آنها ظاهراً یک خواسته حقوقی و مطالباتی خاص مطرح بود اما اکثر شعارهای تجمعات بازنشستگان مقامات بالای حکومت و ارگانهای اصلی حکومت نشانه گرفته بود. و در بطن همین مبارزات شعارهایی که وحدت بخش کل طبقه کارگر بود مانند "مرگ بر این بردگی"، "مرگ بر این بندگی" و یا "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" به شعارهای اصلی این مبارزات تبدیل شد. این شعارها خصلت نمای جنبش طبقه کارگر است؛ شعارهایی که کل جامعه شنید و این شعارها باید به خواسته کل جامعه بدل شود تا درکنار شعار اداره شورایی، آلترناتیو کارگری دست بالا را در مبارزات اعتراضی سراسری علیه حکومت پیدا کند.

سومین روز اعتصاب کارگران کارخانه کیان تایر و تجمعات خدمتگزاران مدارس در چند شهر



برخی تسهیلات و آیم های مزدی خود از احکام کارگزینی از جمله حق لباس، حق شیفیت شب، حق تنظیف، کارانه تابستان، بند جذب مناطق محروم، اضافه کاری ماهانه، اضافه کاری ۳۶ ساعت موظف، حق سرایداری، اضافه کاری مدارس نوبت دوم (دوشیفته صبح وعصر)، و به سختی کار و استفاده زیاد از مواد شیمیایی اعتراض دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ شهریور ۱۴۰۱، ۶ سپتامبر ۲۰۲۲

اند. بنا بر خبرها در آموزش و پرورش ۶۷ هزار نیروی خدماتی مشغول به کارند. اعتراض آنها بطور واقعی به سطح نازل حقوقها و شرایط کار و وضع سخت معیشتی شان است. سرایداران به فاصله حقوق نیروهای خدماتی نسبت به سایر فرهنگیان و دیگر نیروهای خدماتی در ارگان های مختلف دولتی و سطح بسیار نازل دریافتی خود اعتراض دارند. یک مطالبه سرایداران اجرای رتبه بندی و اجرای فوق العاده ویژه افزایش حقوق هایشان است. آنها همچنین به حذف

نداشتن امنیت شغلی به تجمع و اعتصاب دست زده اند. از جمله اوایل سال جاری مسئولین شرکت قصد تعطیلی کامل کارخانه را داشتند که بر اثر اعتراض کارگران ناچار به تداوم فعالیت کارخانه با ظرفیت تولید بسیار پایین شدند. اما از دو هفته ای گذشته میزان تولید این شرکت افت داشته است. طبق گزارشات این شرکت حدود ۱۳۰۰ میلیارد تومان بدهی دارد و این مبلغ هر روز در حال افزایش است و عمده طلبکاران هم دولت و بانک های دولتی هستند.

روز ۱۵ شهریور سرایداران و خدمتگزاران مدارس در شهرهایی چون کرمانشاه، اصفهان و بهاباد بنا بر قرار از قبل تعیین شده در اعتراض به شرایط سخت معیشتی و کاری مقابل آموزش و پرورش تجمع کردند. در رابطه با این وضعیت آنها بارها و بارها تجمع داشته

روز ۱۵ شهریور اعتصاب کارگران کارخانه کیان تایر در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و بلا تکلیفی شغلی وارد سومین روز خود شد و کارگران در محوطه شرکت دست به تجمع زده و اعتصاب خود را ادامه دادند.

این کارگران اعلام کرده اند که تا پرداخت حقوق معوقه خود و تعیین تکلیف وضعیت شرکت به اعتصاب ادامه داده و هر روز تجمع خواهند کرد. هزار کارگر کارخانه کیان تایر هنوز حقوق مردامه را دریافت نکرده اند. مسئولین شرکت در پاسخ به اعتراضات کارگران عنوان کرده اند که ماه آینده هم امکان پرداخت دستمزدها را نخواهند داشت. این امر سبب نگرانی شدید کارگران و اقدام به تجمع اعتراضی آنها شد. کارگران کیان تایر از سال گذشته با توجه به شدت یافتن روند بحرانی کارخانه و خطر تعطیلی آن، چندین بار در اعتراض به

اعتراضات بازنشستگان فولاد اصفهان، کارگران شهرداری زرنه و کارون و مرییان در اهواز

اجتماعی و دخالتگری حداکثری همه کارگران در اعتراضات است.

روز ۱۲ شهریور مرییان پیش دبستانی خوزستانی در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت خود و با خواست دائمی شدن استخدامشان در آموزش و پرورش، مقابل درب استانداری خوزستان تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ شهریور ۱۴۰۱، ۵ سپتامبر ۲۰۲۲

موضوعات مشترک اعتراضات کارگران شهرداری در سطح سراسری است. در ارتباط با این موضوعات بارها شاهد اعتراضات این کارگران در این شهر و آن شهر بوده ایم. اعتراضات گسترده در میان کارگران شهرداری بستر مناسبی برای حرکت سراسری و متحد کارگران شهرداری حول خواسته های مشترک آنهاست. ایجاد شورای هماهنگی اعتراضات گام مناسبی برای شکل دادن به چنین اعتراضاتی با کمک گیری از مدیای

موقوفات ۱۸ ماهه همسان سازی سال ۱۳۹۹ دو مطالبه فوری آنهاست. بازنشستگان میگویند در حالیکه خبرها از دزدی های هزاران هزار میلیاردی در صنعت فولاد گزارش میدهند مطالبات آنها پرداخت نمیشود. افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان رایگان و برخورداری از یک زندگی شایسته خواسته های مشترک همه بازنشستگان است.

روز یکشنبه ۱۳ شهریور پرسنل و کارگران شهرداری زرنه در استان ایلام در اعتراض به تعویق پرداخت شش ماه مزد و هفتاد ماه بیمه مقابل استانداری ایلام تجمع کردند.

روز ۱۲ شهریور کارگران شهرداری کارون در خوزستان در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه مزد و حق بیمه خود مقابل درب استانداری خوزستان تجمع کردند. تعویق پرداخت دستمزدها و سطح نازل آن، قراردادهای موقت و پیمانی

روز دوشنبه ۱۴ شهریور کارگران شرکت کیان تایر در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی با تجمع در محوطه این کارخانه در چهاردانگه اسلامشهر و با به آتش کشیدن لاستیک دست به اعتراض زدند. یک خواست فوری آنها پرداخت دستمزدهای معوقه و داشتن امنیت شغلی است.

روز ۱۳ شهریور کارگران شهرداری قلعه رئیسی در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق برای چندمین روز دست از کار کشیدند. به گفته کارگران با فرارسیدن شروع سال تحصیلی مشکل اقتصادی شدیدی بر گرده آنهاست و خواهان پرداخت فوری دستمزد خود هستند.

ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت بازنشستگان فولاد اصفهان برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود مقابل صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد، تجمع کردند. پرداخت حقوق معادل تورم و تسریع در پرداخت





است که جنبش علیه اعدام قدرتمند سربلند کرده است. حزب کمونیست کارگری بر اتحاد و همبستگی همه مردم علیه سرکوبگری های حکومت و اعدام این ابزار جنایت و سرکوب حکومت تاکید دارد. متن بیانیه جمعی نهادها و تشکلهای کارگری و بازنشستگان و فعالین اجتماعی ضمیمه است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ شهریور ۱۴۰۱، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۲

اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "به جای اعدام و به قتل رساندن قربانیان شرایط موجود و پاک کردن صورت مسئله، باید بانیان دزد و غارتگر را معرفی و زندانی کرد تا ریشه هر گونه بزهکاری و ناهنجاری اجتماعی خشکانده شود. امضاء کنندگان این بیانیه ضمن حمایت قاطعانه از تجمع خانواده های زندانیان محکوم به اعدام، خواهان توقف فوری اعدام زندانیان و لغو احکام اعدام به هر اتهام و بهانه ای هستند." این چنین

بیانیه ۳۷ نهاد و تشکل کارگری و بازنشستگان و فعالین اجتماعی علیه اعدام

حمایت از اعتراضات خانواده ها علیه اعدام

روز شنبه ۱۹ شهریور خانواده های زندانیانی که حکم اعدام گرفته اند برای پنجمین روز متوالی با شعار اعدام نکنید برای چهارمین روز در کرج و تهران دست به تجمع زدند. در این تجمع یکی از جوانان شرکت کنند در سخنرانی تکانهنده ای فریاد زد و گفت: "ما قربانی «نداری» هستیم. با اعدام مواد مخدر تمام نمیشود." سخنان او بطور واقعی علیه سیستم سرمایه داری حاکم است که زندگی جوانان را چنین به تباهی میکشد. اولین روز این تجمعات پانزدهم شهریور بود و در همان روز ۱۰ نفر در زندان های کرج و میناب به دار آویخته شدند. و طبق

اخبار انتشار یافته طی روزهای گذشته نیز حداقل ۱۸ نفر دیگر در زندان های گوهردشت، قزلحصار و میناب جهت اجرای حکم اعدام به سلول های انفرادی منتقل شده اند. علاوه تعدد بسیار زیادی نیز به اعدام محکوم شده اند که در این لیست اسامی دو نفر از فعالین کویر (LGBTQI+) به نام های زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار قرار دارد. در اعتراض به این اعدام و تشدید سرکوبگری های حکومت و در همبستگی با خانواده های زندانیانی که عزیزانشان در لیست اعدام هستند نهادها و تشکلهای و گروههای از فعالین اجتماعی بیانیه ای عمومی داده

بیانیه عمومی در حمایت از تجمع اعتراضی خانواده های زندانیان محکوم به اعدام

دست از کشتار زندانیان بردارید



حکایت از عزم و سیاست جدی دستگاه قضایی برای پوشش گذاشتن بر فساد و چپاول های سازمان یافته صدها هزار میلیارد تومانی در ارگانها و نهادهای حکومتی است که با گرفتن ژست مبارزه با دزدی، قاچاق مواد مخدر و ناامنی اجتماعی می خواهد تمرکز و فشار افکار عمومی را بر دزدی های خودی ها کم رنگ کند و کاهش دهد.

علاوه بر زندانیان سیاسی، عقیدتی و جرم انگاری های مرتبط به گرایش های جنسی و جنسیت افراد که عملاً هیچ جرمی را مرتکب نشده اند و تنها دلیل اعدام آنان این بوده که به مذاق حاکمان خوش نیامده اند.

اما درباره محکومین جرائم عادی نیز باید گفت که این افراد نیز خود قربانیان شرایط و اوضاع اقتصادی و اجتماعی ای هستند که دزدان و چپاولگران در سیستم حاکم بر جامعه، برای بیش از ۸۰ میلیون انسان ایجاد کرده اند.

به جای اعدام و به قتل رساندن قربانیان شرایط موجود و پاک کردن صورت مسئله، باید بانیان دزد و غارتگر را معرفی و زندانی کرد تا ریشه هر گونه

اعدام و قتل زندانیان به اتهامات و بهانه های مختلف، سیاسی و عادی مرتبط با مواد مخدر، قتل، سرقت مسلحانه و غیره به یک ترم و روش حکومت داری تبدیل شده است.

آمار اعدام (قتل عمد) زندانیان طی این دوره چهل و سه ساله، حتی یکبار هم به صورت رسمی و دقیق منتشر نشده. اما با پیگیری مراجع حقوق بشری و ... آمار دهها هزار نفری اعدام قطعی است. اعدام در ایران هیچ بخشی از جامعه را در امان نگذاشته و از کودک تا کهن سال و زن و مرد به هر بهانه و اتهامی از سیاسی گرفته تا همجنسگرا و عادی و ... را شامل می شود.

نگاهی به گزارش های منتشر شده در رابطه با اعدام های اخیر، واقعیت وحشتناک قتل عام روزانه را به وضوح ثابت خواهد کرد. در مدت ۵ ماه، از اواخر دی ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ تعداد ۱۶۸ نفر ثبت شده؛ یعنی در هر یک روز و ۳ ساعت یک نفر اعدام شده است. روند افزایشی تعداد اعدامیان و صدور احکام اعدام در مدت یک سال گذشته،

روز ۱۵ شهریور ۱۴۰۱ جمعیتی از خانواده های زندانیان محکوم به اعدام، مقابل دادگستری و دادگاه عمومی و انقلاب کرج تجمع کردند و روزهای بعد نیز تا امروز به تجمعات خود مقابل قوه قضائیه در تهران با خواست #اعدام_نکنید، ادامه داده و خواهان توقف اعدام زندانیان هستند.

این تجمعات در حالی شروع شدند که در روز ۱۵ شهریور، اولین روز از برپایی تجمعات، ۱۰ نفر در زندان های کرج و میناب به دار آویخته شدند و طبق اخبار انتشار یافته طی روزهای گذشته حداقل ۱۸ نفر دیگر در زندان های گوهردشت، قزلحصار و میناب جهت اجرای حکم اعدام به سلول های انفرادی منتقل شده اند.

علاوه بر این، هم اکنون تعداد بسیار زیادی که آمار دقیق آن در دست نیست، محکوم به اعدام و در انتظار اجرای حکم هستند که دو نفر از فعالین کویر (LGBTQI+) به نام های زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار نیز در زمره آنها هستند. در مدت چهل و سه سال گذشته،

بزهکاری و ناهنجاری اجتماعی خشکانده شود.

امضاء کنندگان این بیانیه ضمن حمایت قاطعانه از تجمع خانواده های زندانیان محکوم به اعدام، خواهان توقف فوری اعدام زندانیان و لغو احکام اعدام به هر اتهام و بهانه ای هستند.

امضاء
۱- اتحاد بازنشستگان ایران ۲- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۳- تشکل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان ۴- سندیکای نقاشان البرز ۵- شورای بازنشستگان ایران ۶- گروه اتحاد بازنشستگان ایران ۷- گروه بازنشستگان



تجمعات و بیانیه های علیه اعدام را باید گسترش داد

امروز یکشنبه ۲۰ شهریور پنجمین روز تجمع خانواده های محکومین به اعدام است که با فریاد خروشان و با پلاکاردهایی علیه اعدام در «نکنید مقابل دفتر قوه قضائیه در تهران و کرج خواهان لغو احکام اعدام بستگان خود شدند. شرکت کنندگان در این تجمعات که از روز ۱۵ شهریور شروع شده بود، هر روز بیشتر و سازمان یافته تر میشدند و سرکوبگران جمهوری اسلامی برای جلوگیری از پیوستن گسترده تر مردم به این تجمعات روز ۲۰ شهریور به تجمع حمله کردند و بیش از بیست نفر را بازداشت کردند که هنوز تعدادی از آنان در زندان میباشند. جرمشان این است که میگویند بستگانمان را که قربانی شرایط حاکم بر جامعه اند به قتل نرسانید. لازم به توضیح است که آدمکشان دزد حاکم تعداد زیادی را در روزهای اخیر اعدام کرده و برای تعداد بیشتری از جمله دو فعال همجنسگرا بنام زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار حکم اعدام صادر کرده اند.

لغو مجازات اعدام به خواست غالب در میان مردم تبدیل شده و تجمعات و بیانیه های مختلف علیه اعدام گوشه ای از یک جنبش بسیار وسیع در ایران است. تجمعات پیگیر خانواده های محکوم به اعدام اقدامی مهم در تقویت این جنبش و در تداوم مقابله مردم با حربه اعدام است. نفس حمله رژیم به تجمع مردم در روز ۲۰ شهریور و دستگیری تعدادی زیادی از شرکت کنندگان در این تجمع بخوبی اهمیت چنین تجمعاتی را نشان میدهد. باید این تجمعات را شهر به شهر گسترش داد. خانواده های محکومین به اعدام و فعالین علیه اعدام و دهها تشکل و نهاد مردمی که علیه اعدام و در دفاع از این تجمعات بیانیه دادند، نقش مهمی در دامن زدن به این جنبش و شکل دادن به تجمعات مشابه دارند. سازمان دادن طومارهای سراسری یا شهری با خواست لغو مجازات اعدام و لغو کلیه احکام ضد انسانی اعدام شکل دیگری از گفتمان سازی و تقویت جنبش علیه اعدام و

تجمعات علیه اعدام است. حربه اعدام را باید از حکومت گرفت. جمهوری اسلامی از یکطرف قربانیان شرایط اسفباری که خود به جامعه تحمیل کرده است را به قتل میرساند و از طرف دیگر از اعدام بعنوان حربه ای برای قدرتمایی حکومت مستاصل خود و برای ارباب فعالین جنبش های مختلف، فعالین جنبش دفاع از حقوق زنان، جنبش بیحجابی، رنگین کمانی ها و ارباب مردم معترض استفاده میکند. باید توده هر چه وسیعتری از مردم را علیه اعدام بعنوان یک رکن مهم مبارزه به میدان آورد. مجازات اعدام یعنی قتل عامدانه دولتی باید لغو شود و کلیه احکام علیه

باید ملغی گردد. دستگیر شدگان روز ۲۰ شهریور باید فوراً آزاد شوند. اعتراض به احکام اعدام حق خانواده های محکومین به اعدام و حق همه مردم است. حزب کمونیست کارگری دست همه فعالین علیه اعدام و فعالین همه تشکل های مردمی مخالف اعدام را به گرمی میفشارد، قاطعانه از تلاش های آنها حمایت میکند و مردم آزاده را به پیوستن به این تشکل ها و ایجاد تشکل های مشابه فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ شهریور ۱۴۰۱، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

آموزش رایگان حق همه کودکان است

از صفحه ۸

بیانیه عمومی در حمایت از ...

حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانی است. این حقی است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتها تحمیل کرده اند. در ایران اما هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. صدها هزار کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند. دهها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و شادی کودکان محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدر و مادرهایشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند.

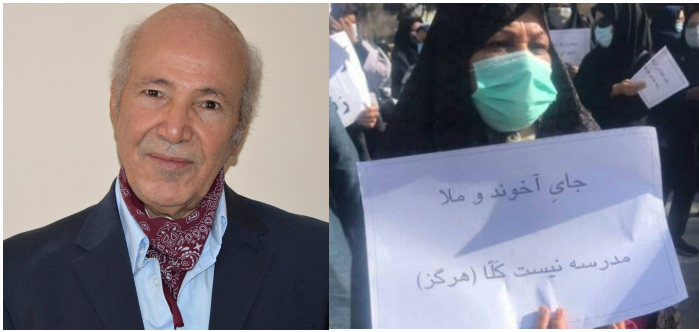
همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. خرافه و جهل و اراجیف

مستقل ایران ۸- گروهی از معلمان و بازنشستگان کانون های صنفی ایران ۹- ندای زنان ایران ۱۰- گروهی از فارغ التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه ۱۱- گروهی از مهندسان و کاسبان فروش نرم افزار پاساژ میرداماد کرمانشاه ۱۲- گروهی از ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه ۱۳- گروهی رانندگان تاکسی شهرک ظفر کرمانشاه ۱۴- گروهی از کارگران برق کار ساختمانی سقز ۱۵- گروهی از کارگران نقاش ساختمانی سقز ۱۶- گروهی از کارگران لوله کشی ساختمانی سقز ۱۷- گروهی از زنان خانه دار سقز ۱۸- گروهی از جوانان بیکار محله بهارستان سقز ۱۹- گروهی از جوانان بیکار محله تپه شافعی سقز ۲۰- گروهی از جوانان بیکار محله کریم آباد ۲۱- گروهی از جوانان بیکار محله تپه ملان سقز ۲۲- گروهی از بازنشستگان تامین اجتماعی سقز به همراه خانواده

هایشان ۲۳- گروهی از بازنشستگان خدمات درمانی سقز ۲۴- گروهی از مردم محله بهارستان سقز ۲۵- گروهی از مردم محله شریف آباد سقز ۲۶- گروهی از مردم محله شمال سقز ۲۷- گروهی از مردم محله سعدی سقز ۲۸- گروهی از مردم شهرک دانشگاه سقز ۲۹- گروهی از کارگران شاغل شهرک صنعتی سقز ۳۰- گروهی از بازنشستگان شهر آمل ۳۱- گروهی از فعالین لغو کار کودکان تهران ۳۲- گروهی از دانشجویان علوم پزشکی اصفهان ۳۳- گروهی از زنان خانه دار سنندج ۳۴- گروهی از کارگران ساختمانی خیابان ۲۵ شهریور سنندج ۳۵- گروهی از دستفروشان خیابان شهدا سنندج ۳۶- گروهی از فعالین کارگری سنندج ۳۷- گروهی از کارگران مرغرداری های مریوان

(۱۹ شهریور ۱۴۰۱)

حزب کمونیست کارگری ایران



خدمت اقلیت مفتخور حاکم بوده اند. از برده داری تا زمین داری و سرمایه داری همه جا مذاهب را در خدمت کردن و توجیه فقر و مسکنت و محرومیت اکثریت مردم مشاهده میکنیم.

در ایران مذهب چهل و چند سال است که دارد جنایت و چپاول میکند. آموزش مذهب در مدارس چه چیز را میخواید به دانش آموزان آموزش دهد؟ دزدی؟ تجاوز؟ اعدام و قتل و کشتار؟ خرافه و جهل و عقب ماندگی؟

تقلای جمهوری اسلامی برای اعزام گله آخوندها به مدارس یک تلاش فی الحال شکست خورده است. آخوندهایی که مدارس میروند تنها و تنها خود را در معرض خشم معلمان و دانش آموزان قرار میدهند و قطعاً توسط دانش آموزان به ریشخند و تمسخر گرفته میشوند.

معلمان خواستشان آموزش رایگان و علمی و غیر ایدئولوژیک در مدارس است و جنبش معلمان با این خواست مشخص میشود. جدایی دولت و آموزش و پرورش از مذهب یک خواست حداقلی جا افتاده در میان مردم این کشور است و با سرنگونی جمهوری اسلامی آنرا فوراً عملی خواهیم کرد. هیچ تردیدی در این نباید داشت. اما این تنها گام اول است. نقد مذهب و خرافه و آزادی عقیده و بیان و نقد و طنز مذهب و همه خرافات، فوراً موجی عظیم از تفکر پیشرو ضد مذهبی را به جریان خواهد انداخت. جمهوری اسلامی با دست و پا زدن با طرح امین و مدارس مسجد محور و امثالهم، وحشت خود را از این تحول گریز ناپذیر بیان میکند. اما سرانجام محتوم این تقلاها و طرحها از هم اکنون روشن است.

مشت آخوند و مفتخور میسازد، تلاش و تقلای حکومت برای غلبه بر این سیل بنیان کنی است که برای خلاصی از شر حکومت اسلامی به حرکت در آمده است. نه فقط جوانان، بلکه کلا در سراسر جامعه بخشهای وسیعی از مردم بحق از اسلام و مذهب زده شده اند. آیا حق ندارند؟ در هیچ کجای دنیا به این شکل آشکار نمیشود نقش مذهب در خدمت ستمگران و مفتخوران و سرمایه داران بی خاصیت را مشاهده کرد. در هیچ کجا نمیشود خرافه بودن مذهب را دید و باور کرد. همان کسانی که به مردم مذهب و اسلام را آموزش داده اند مشغول دزدی و ثروت اندوزی و تجاوز و قتل و جنایت هستند و از دزدی دستمزد زیر خط فقر کارگر با نیروی مسلح و زندان و دستگیری دفاع میکنند. نیازی به بررسی خرافی بودن مذهب نیست. مذهب در خیابان و کوچه و شهر و مدرسه دارد چهره کثیف خود را نشان میدهد.

جامعه ایران و بویژه جوانان نه فقط هر روز اسلام سیاسی و حکومتی را در برابر خود و علیه خود مشاهده و لمس میکنند، بلکه به عمق نقش مخرب و کثیف اسلام و مذهب در خدمت به ستم و امتیازات طبقاتی و به فلاکت کشیدن کارگران و اکثریت مردم بیشتر و بیشتر پی میبرند. مذهب، همه مذاهب همیشه ابزاری در

گسیل بیشتر گله آخوند به مدارس

کاظم نیکخواه

قبلاً این خبر منتشر شده بود که قرار است چند صد هزار آخوند به همه مدارس کشور اعزام شوند و این خبر خشم خانواده ها و معلمان را برانگیخت. اما فوراً وزارت آموزش و پرورش این را تکذیب کرد و اعلام کرد که قرار نیست برای هر مدرسه ای آخوند اعزام شود. بلکه بحث بر سر مراکز آموزشی است و در هر مرکزی یک آخوند مستقر میشود که اساس سیاستهای آموزشی را کنترل کند. منظورشان از مراکز آموزشی هم بنا به توضیح اینها فقط دپارتمانها و ادارات آموزش و پرورش بود و نه مدارس. اما معلوم است که همان خبر اولیه درست بوده است که تلاش جمهوری اسلامی گسیل گله بیشتر آخوندها به همه مدارس است.

مساله اینست که جوانان عموماً به نیروهای فعالی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده اند. یک ذره به قوانین و سنتها و راه و رسم اسلامی اعتقاد ندارند و تلاششان اینست که خود را از شر حکومت و قوانین مذهبی خلاص کنند. ابعاد ضدیت و خصومت جوانان و دانش آموزان با حکومت اسلامی به حدی است که هر روز از منبر و حوزه و مراکز اسلامی فریاد وا اسلاما و هشدارها شنیده میشود. این تحول برای حکومت هشدار دهنده است. نسلی دارد پرورش می یابد که یک ذره به جمهوری اسلامی که هیچ، به اسلام و مذهب و سنتهای مذهبی اعتقاد ندارد و میخواید زندگیش را بنا به استانداردهای امروزی و علمی و انسانی تعیین نماید.

طرح امین جدا از پولهای کلانی که بعنوان بودجه آموزش اسلامی نصیب یک

جنگ و جدال آشکار و گسترده میان خرافه و علم، مذهب و مدرنیسم و انسانیت و عقب ماندگی بیش از هر جای دیگری در ایران جریان دارد. مردم و بویژه جوانان میخوایند از بلای اسلام و قوانین و حکومت اسلامی خلاص شوند، و حکومت اسلامی میخوایند همه چیز را اسلامی کند و به قهقرا ببرد. این جنگی است میان امروز و عصر توحش. و نتیجه آن قطعاً پیروزی انسانیت و علم بر خرافه و جهل خواهد بود.

به گزارش ایرنا خبرگزاری جمهوری اسلامی آخوند حمید نیکزاد مشاور وزیر و دبیر "ستاد همکاریهای حوزه علمیه و آموزش و پرورش" با اشاره به "طرح امین" در مدارس و تقویت اقامه نماز در مدارس گفته است هم اکنون ۲۰ هزار آخوند مربوط به "طرح امین" در مدارس فعالیت دارند. او با خوشحالی اشاره میکند که اعتبارات و بودجه ستاد "تحول بنیادین آموزش و پرورش" افزایش چشمگیری یافته است. او به تاسیس مدارس مسجد محور و "جبل المبین" نیز اشاره میکند و میگوید یک سری مدارس اسلامی و "مسجد محور" نیز تاسیس خواهد شد.

اول اشاره کنیم که این ۲۰ هزار آخوند و طلبه ای که این شخص اشاره میکند فقط مربوط به طرح کذایی امین است و علاوه بر دهها هزار آخوندهایی است که طی این سالها در مدارس مستقل شده اند.

قرار است این آخوندها و طلبه ها تربیت و آموزش را در مدارس "ارتقا" دهند و کودکان را به اصولی علمی آشنا سازند!

ماهواره پناه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیببل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیببل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL KADJAD
کانال جدید

پخش زنده آنلاین،

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

در اعتراض به مرگ شلیخ رسولی مردم قهرمان مریوان و سنندج به میدان آمدند



مرگ دلخراش شلیخ رسولی در مریوان هنگام فرار از تجاوز توسط یکی از ارادل و اوباشی که در پناه ارگانهای حکومت حاشیه امن دارند و دستشان برای هر جنایتی باز است، موجی از اعتراض ایجاد کرد. جمعیت کثیری از مردم مریوان در روز مرگ او به خیابان آمدند و مراسم تشییع جنازه او را به یک راهپیمایی سیاسی اعتراضی تبدیل کردند

روز بعد از آن تعدادی از زنان و مردان آزاده سنندج دست به تجمع زدند و با پلاکاردهایی که در دست داشتند و بیانیه ای که قرائت کردند، انگشت اتهام را

طرف قوانین ضد زن و زن ستیزی حکومت گرفتند و به ریشه های این فاجعه و فجایع مشابهی که هر روز علیه زنان اتفاق می افتد حمله کردند. «بی حقوقی زنان عامل تجاوز و قتل ناموسی و خودکشی است، دست ناموس پرستی از زندگی زنان کوتاه و آزادی زن معیار آزادی جامعه است» از جمله پلاکاردهای این تجمع بود.

انجمن صنفی معلمان مریوان در بیانیه ای اعلام کرد که «تراژدی قتل شلیخ در متن یک ساختار بیمار و ویرانگر اتفاق افتاد، و هر تلاشی برای التیام این درد تا زمانی که این سازوکارهای سرمایه دارانه و نرینه محوری هم دست و هم پیمان آن را نشانه نگیرد، هیچ راه برون رفتی پیدا

ساختارهایی که فقر و تباهی و ویرانی را تولید و بازتولید می کنند و سرکوب، به حاشیه راندن، بی قدرت سازی و ناتوان سازی زنان از سازوکارهای اساسی آن است برای نگهداشتن نظم حاکم، نظمی که از بیخ و بنیاد غیر عادلانه، غیر اخلاقی و ویرانگر است. «در این بیانیه ها از مردم و تشکل های حق طلب و آزادیخواه خواسته شده است که به وجود تبعیض علیه زنان و نامنی جامعه برای آنان از تمام ظرفیت ها استفاده کنند.

این بیانیه ها، این تجمعات و خشمی که در پس همه اینها وجود دارد، بیانگر جامعه ای بیباخته، روشن و مصمم است که با سرکوب و بگیر و ببند نمیتوان جلویش را گرفت. جامعه ای که فرهنگ و رسوم ارتجاعی اسلامی را عقب رانده و قطبی قدرتمند در مقابل حکومت و مقدسات ضد انسانی اش شکل داده

است. حزب کمونیست کارگری به مردم آزاده مریوان و سنندج و همه تشکل ها و فعالینی که در شکل دادن به این فضا نقش ایفا کرده اند درود میفرستد و دست همه کسانی را که برای تحقق آزادی زن و رهایی جامعه از شر بختک اسلامی سرمایه با همه لمپنیسم و مردسالاری و ارتجاع آن مبارزه میکنند میفشارد. حزب کمونیست کارگری چون همیشه با تمام امکانات خود همراه و همگام مردم مریوان و سنندج است و از مردم همه شهرهای کردستان و همچنین سراسر ایران دعوت میکند تا بهر شکل که میتوانند در رابطه با مرگ شلیخ رسولی به جمهوری اسلامی و قوانین ضد زن آن اعتراض کنند و از مبارزات مردم سنندج و مریوان حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ شهریور ۱۴۰۱، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

زنان و مردم آزاده سنندج دست به تجمع زدند

امروز ۱۹ شهریور جمعی از زنان و مردان آزادیخواه سنندج در اعتراض به مرگ شلیخ رسولی در مقابل بیدادگاه انقلاب در این شهر تجمع کردند و یکی از زنان حاضر در تجمع بیانیه زیر را قرائت کرد:

بیانیه فعالین حقوق زنان (سنندج) در رابطه با مرگ مظلومانه شلیخ رسولی

آنچه امروز ما را وادار به واکنش نموده است و به شکل روشنی خودنمایی می کند سیستماتیک بودن این خشونت هاست، متأسفانه نه تنها سازوکاری برای باز داشتن فرد صاحب قدرت از ارتکاب خشونت وجود ندارد، بلکه در یک توافق

بازدارنده و سختگیرانه برای متجاوزگران فضایی امن را برای افراد جامعه مهیا نمایند. ما به جد خواهان پیگیری خون به ناحق ریخته شلیخ رسولی ها که قربانی خشونت شده اند هستیم و این رفتارهای ضد انسانی را محکوم می نمایم.

جمعی از فعالین حقوق زن سنندج ۱۹ شهریور ۱۴۰۱

زنده باد همبستگی مردم سنندج با شلیخ رسولی، زنی که در مریوان قربانی بی حقوقی زن، قربانی قوانین ضد زن و حکومت ضد زن شد.

زنده باد مردم آزاده سنندج
زنده باد مردم آزاده مریوان

پیش بسوی گسترش جنبش دفاع از حقوق زن در سراسر کردستان و در سراسر ایران

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ شهریور ۱۴۰۱، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۲

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

بیانیه انجمن صنفی معلمان کردستان_مریوان، در خصوص تجمع اعتراضی اخیر مردم مریوان



هیچ مامن و پناهگاهی برایش نبود. تمام سازوکارهای حقوقی، قانونی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که زن‌کشی را فعالانه ترویج می‌کنند و هنجارهای اجتماعی حاکم بر بخشی از جامعه در قالب ناموس پرستی و پاکدامنی دقیقاً امتداد این سازوکارهای حقوقی و سیاسی نرم‌محور و زن ستیز هستند.

انجمن صنفی معلمان کردستان- مریوان تراژدی قتل شلیتر را به خانواده ایشان و هم‌هی زنان داغ دیده‌ی مریوان تسلیت می‌گوید و خواهان بازبینی و اصلاح سازوکارهای حقوقی و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی حاکم در راستای توانمندسازی زنان و پایان دادن به تراژدی تکرار شونده‌ی زن‌کشی است. انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان برگرفته از مدیای اجتماعی

سیستماتیک فقر، نابرابری، تبعیض و زن ستیزی را ترویج می‌کند و با نهادهای قانونی و آموزشی و تبلیغاتی‌اش این نابرابری‌ها را روزانه مهر و امضا می‌کند.

خوشبختانه مریوان یک جامعه مدنی پویا و فعالی دارد، حضور هزاران نفر در مراسم خاکسپاری و تبدیل کردن مراسم تشییع جنازه شلیتر به یک راهپیمایی اعتراضی نشان از میزان آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم و میزان مسولیت‌پذیری آن‌ها در مواجهه با تراژدی‌های جمعی و عمومی است. خیابان‌های مریوان دهه‌هاست که با این همبستگی‌ها آشنا هستند و این امید و دلخوشی بزرگی است. بخش بزرگی از این مردم بدون تردید می‌دانند که شلیتر یک قربانی بود، قربانی‌ای که اگر مرگ را در آن لحظه انتخاب نمی‌کرد، در فردای پس از تجاوز،

ساختاری نشوند اعدام، بخوانید قتل دولتی، فقط یک داغ دیگر بر روان جمعی مردم می‌گذارد.

نباید فراموش کرد که دلیل اصلی و بنیادین قتل شلیتر ساختارهای ویرانگر سیاسی- اقتصادی هستند که نرینه‌محوری 'مردسالاری' لات و لمپن پروری از اجزای ارگانیک آن هستند ساختارهایی که فقر و تباهی و ویرانی را تولید و بازتولید می‌کنند و سرکوب، به حاشیه‌راندن، بی‌قدرت سازی و ناتوان سازی زنان از سازوکارهای اساسی آن است برای نگه داشتن نظم حاکم' نظمی که از بیخ و بنیاد غیرعادلانه، غیراخلاقی و ویرانگر است. تراژدی قتل شلیتر در متن این ساختار بیمار و ویرانگر اتفاق افتاد، و هر تلاشی برای التیام این درد تا زمانی که این سازوکارهای سرمایه‌دارانه و نرینه‌محوری هم‌دست و هم‌پیمان آن را نشانه نگیرد، هیچ راه برون رفتی پیدا نخواهد شد. در تجمع روز پنج شنبه، یکی از شعارهای مترقی که سر داده می‌شد این بود: «پیاو سالاری و سرمایه؛ هژکاری نهم به‌لایه / مرد سالاری و سرمایه؛ علت این تراژدی است.» (به این باید دولت را اضافه کرد، دولتی که به شکل

زن‌کشی به خبر تکرارشونده‌ی هزاران شهر و روستا تبدیل شده است. شلیتر رسولی، برای دفاع از خود در برابر تجاوز هیچ ابزاری بجز پرت کردن خود از پنجره نداشت. سقوط شلیتر از پنجره' همزمان سقوط و ویرانی جامعه‌ای است که نمی‌تواند یا نمی‌خواهد برای زنجیره‌ی بی‌پایان زن‌کشی علاجی پیدا کند، جامعه‌ای که به جای اندیشیدن راه چاره‌ای واقعی، در یک مکانیسم روانی عمیق در این نمونه‌ی اخیر از قربانی یک قهرمان می‌سازد و با عناوینی چون «شهید پاکدامنی»، هولناکی این فاجعه را تماماً از ذهن مردم می‌زداید.

متأسفانه دلیل بنیادی قتل شلیتر و هزاران زن دیگری که روزانه در دورتادور دنیا سلاخی می‌شوند در تار و پود خود جامعه و ساختار سیاسی و اقتصادی آن نهفته است. آن دست‌ها خشمگینی که برای التیام این داغ به طناب‌دار اشاره می‌کنند' آخرین و نمایان‌ترین علت این قتل‌ها را می‌بینند. این خشم و این عدالت‌خواهی قابل فهم است، ولی تا زمانی که دلایل ساختاری این قتل‌های زنجیره‌ای مورد سوال قرار نگیرد و تا زمانی که این خشم‌ها معطوف به این دلایل

به مناسبت فرارسیدن سال تحصیلی جدید و بازگشایی مدارس سال تجدید مبارزه برای یک آموزش و پرورش شاد و انسانی

درست، تبدیل به اتحاد معلمان و خانواده‌ها شد. معلمان دستگیر شده به رهبران محبوب بدل شدند! دست در دست معلمان مبارز، سال تحصیلی جدید را به سال مبارزه‌ی پرشور و سرنوشت‌ساز برای پایان دادن آموزش و پرورش پولی و کالایی، مذهبی و ایدئولوژیک بدل کنیم. شهریه بی‌شهریه، لوازم‌التحریر رایگان برای همه دانش‌انداختن آخوندها از مدارس را به خواست سراسری‌مان تبدیل کنیم. آموزش رایگان، شاد، انسانی و غیر مذهبی حق همه‌ی کودکان است! معلمان زندانی باید فوراً و بی‌قید و شرط آزاد شوند! نهاد کودکان مقدمند ۱۵ شهریور ۱۴۰۱- ۶ سپتامبر ۲۰۲۲ برگرفته از مدیای اجتماعی

محروریت فرزندان‌شان از تحصیل و تحمیل بدترین شرایط تحصیلی بدهند. این وضعیت اسفبار شایسته هیچ خانواده و کودکی نیست و باید به آن خاتمه داد. سال تحصیلی جدید را باید به سال اعتراض علیه آموزش و پرورش کالایی و پادگانی بدل کرد! مبارزات درخشان معلمان و مطالبات پیشرو طی سال گذشته و ده‌ها تحصن و اعتصاب و تظاهرات مستمر خیابانی در بیش از سیصد شهر در سراسر کشور، که با استقبال گرم و پرشور خانواده‌ها روبرو شده، به خوبی نشان می‌دهد که سال جدید تحصیلی از آغاز به یک دور جدیدی از مبارزات بی‌وقفه بدل خواهد شد. تهدید و ارباب و آزار و اذیت معلمان و خانواده‌های آنان نتوانست طوفان اعتراضات به حق آنان را فرو بنشانند و به

پرورش سبب شده که مقاوم سازی و بازسازی مدارس عملاً متوقف شود. بویژه محیط‌های آموزشی دولتی، فاقد ابتدایی‌ترین استانداردهای ایمنی و امکانات تحصیلی‌اند. مدارس تخریبی، کانکسی و کپری همچنان بالای جان دانش‌آموزان و معلمان خواهد بود. آموزش و پرورش پادگانی، عبوس، عقب مانده، کودک ستیز و ضد ارزش‌های علمی، کتابهای درسی مملو از تحمیق مذهبی و تبدیل کردن مدارس به تکیه و مسجد، گسیل گله آخوند، استفاده از محیط‌های آموزشی برای سربرازگیری و تبلیغات ایدئولوژیک بشدت مورد اعتراض خانواده‌ها و معلمان پیشرو است. کارد به استخوان مردم رسیده است! باید تاوان دزدی‌ها و اختلاس‌های نجومی سران و کاربدستان جمهوری اسلامی را با

بزودی اول مهر ماه، روز بازگشایی مدارس فرامی‌رسد. آموزش کالایی و خصوصی سازی شده، زیر سایه سنگین گرانی سرسام‌آور، از پرداخت شهریه اجباری تا ناتوانی از تهیه نوشت‌افزار، شادی و اشتیاق این روز را عملاً از اکثریت خانواده‌ها و دانش‌آموزان گرفته است. خود مسئولین حکومت اسلامی با وقاحت اعلام می‌کنند که میلیون‌ها کودک از چرخه تحصیل بازمانده‌اند. خانواده‌های زیادی قادر به پرداخت باجگیری ثبت‌نام در مدارس نیستند. جهنم پرتاب شدن به بازار بیرحم کار زیر پای دانش‌آموزان دهان باز کرده است. محرومیت از تحصیل، باز هم دختران بیشتری را به کام فاجعه‌ی کودک همسری خواهد انداخت! کسری بودجه نجومی آموزش و

آخرین وضعیت معلمان و کارگران بازداشتی

از اردیبهشت تا کنون همانطور که قبلاً گزارش کرده ایم ۲۴۰ معلم بازداشت شده‌اند در اعتراض به این دستگیریها کارزاری بزرگ به راه افتاد و با حمایت های خوبی در سطح جهانی پاسخ گرفت.

معلمان در صف جلوی این کارزارها قرار داشته و در مقابله با سرکوبگری های حکومت تاکنون موفق به آزادی شماری از همکاران خود شده‌اند. که اگر چه با وثیقه ولی آزادی آنها یک موفقیت و پیروزی علیه سرکوبگری ها و سناریو سازی ها رسوای حکومت است. یک خواست فوری معلمان بستن شدن پرونده امنیتی او، معلمان و کارگران در بند و همه زندانیان سیاسی است.

در این هفته رسول بدایقی از بازداشت شدگان سناریو سازی های امنیتی همراه با شمار دیگر از معلمان و فعالین کارگری اجتماعی پس از گذشت ۱۳۰ روز با تمدید چند باره قرار بازداشت از بازداشتگاه امنیتی ۲۰۹ وزارت اطلاعات به قرنطینه بند ۴ زندان اوین منتقل شد.

همچنین ۵ ماه از جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی میگذرد. جعفر ابراهیمی نیز با وجود ابتلا به بیماری صعب العلاج دستگاه گوارش و تشدید آن در زندان، همچنان بدون رسیدگی پزشکی در حبس است و بازداشت محمد حبیبی هر ماه تمدید می گردد.

از سوی دیگر از میان فعالین کارگری و اجتماعی بازداشت شده علیه فعالین معلم

محمد حبیبی میگذرد. جعفر ابراهیمی نیز با وجود ابتلا به بیماری صعب العلاج دستگاه گوارش و تشدید آن در زندان، همچنان بدون رسیدگی پزشکی در حبس است و بازداشت محمد حبیبی هر ماه تمدید می گردد.

از سوی دیگر از میان فعالین کارگری و اجتماعی بازداشت شده علیه فعالین معلم

محمد حبیبی میگذرد. جعفر ابراهیمی نیز با وجود ابتلا به بیماری صعب العلاج دستگاه گوارش و تشدید آن در زندان، همچنان بدون رسیدگی پزشکی در حبس است و بازداشت محمد حبیبی هر ماه تمدید می گردد.

از سوی دیگر از میان فعالین کارگری و اجتماعی بازداشت شده علیه فعالین معلم

محمد حبیبی میگذرد. جعفر ابراهیمی نیز با وجود ابتلا به بیماری صعب العلاج دستگاه گوارش و تشدید آن در زندان، همچنان بدون رسیدگی پزشکی در حبس است و بازداشت محمد حبیبی هر ماه تمدید می گردد.

از سوی دیگر از میان فعالین کارگری و اجتماعی بازداشت شده علیه فعالین معلم

محمد حبیبی میگذرد. جعفر ابراهیمی نیز با وجود ابتلا به بیماری صعب العلاج دستگاه گوارش و تشدید آن در زندان، همچنان بدون رسیدگی پزشکی در حبس است و بازداشت محمد حبیبی هر ماه تمدید می گردد.

از سوی دیگر از میان فعالین کارگری و اجتماعی بازداشت شده علیه فعالین معلم

محمد حبیبی میگذرد. جعفر ابراهیمی نیز با وجود ابتلا به بیماری صعب العلاج دستگاه گوارش و تشدید آن در زندان، همچنان بدون رسیدگی پزشکی در حبس است و بازداشت محمد حبیبی هر ماه تمدید می گردد.



FREE THEM NOW

FREE ALL JAILED TEACHERS IN IRAN
















اسامی معلمان زندانی: اسماعیل عبدی، رسول بدایقی، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، ناهید شیرپیشه، ناهید فتحعلیان، زینب هم‌رنگ، مهدی فتاحی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی و محمد حسین سپهری.

اسامی فعالین کارگری زندانی: حسن طرفی، رضا شهابی، حسن سعیدی، شاپور احسانی راد، نسرين جوادى، اسماعيل گرامى، على اسحاق، سميه كارگر، بهاره سليماني، آرش جوهرى، ابوالفضل غسالى، شادى گيلک، عليرضا ثقفى، مهران رئوف، عباس دريس.

FREE ALL JAILED WORKERS IN IRAN





















اسامی معلمان زندانی: اسماعیل عبدی، رسول بدایقی، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، ناهید شیرپیشه، ناهید فتحعلیان، زینب هم‌رنگ، مهدی فتاحی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی و محمد حسین سپهری.

اسامی فعالین کارگری زندانی: حسن طرفی، رضا شهابی، حسن سعیدی، شاپور احسانی راد، نسرين جوادى، اسماعيل گرامى، على اسحاق، سميه كارگر، بهاره سليماني، آرش جوهرى، ابوالفضل غسالى، شادى گيلک، عليرضا ثقفى، مهران رئوف، عباس دريس.

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

به گزارش منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد رضا شهابی از نظر جسمانی در وضعیت وخیم و نگران‌کننده ای قرار دارد. او باید هر چه سریعتر آزاد و تحت درمان و معالجه قرار گیرد. حسن سعیدی یکی دیگر از اعضای سندیکای واحد است که در ۲۸ اردیبهشت ماه بازداشت و بعد از گذشت بیش از سه ماه در بند ۲۰۹ زندان اوین با تکمیل پرونده و پایان بازجویی ها به بند عمومی ۴ این زندان منتقل گردید.

حسن سعیدی نیز در اعتراض به بازجویی های طولانی مدت و پی در پی به مدت ۳۹ روز در بند انفرادی در اعتصاب غذا بسر میبرد. رضا شهابی، حسن سعیدی، رسول بدایقی، کیوان مهدی و ژاک پارس و سیسل کولر باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شوند. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان و تمامی زندانیان سیاسی باید بسته شود.

#نه_به_سناریوسازی

- دیدار فعالین جنبش معلمان با سارا سیاهپور-روز سه‌شنبه پانزدهم شهریور ماه، جمعی از اعضای کانون صنفی معلمان و فعالین جنبش معلمان و کارگران به دیدار سارا سیاهپور که شنبه دوازدهم شهریور ماه، از زندان آزاد شده بود، رفتند.

رضا شهابی به بند عمومی زندان اوین منتقل شد

روز هفدهم شهریور ماه رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد بعد از گذشت بیش از سه ماه از بند ۲۰۹ به بند عمومی چهار زندان اوین منتقل گردید رضا شهابی از ۲۲ اردیبهشت ماه، بدنبال پرونده سازی های اخیر وزارت اطلاعات برای شماری از معلمان و فعالین کارگری و اجتماعی بازداشت و هفته ها تحت بازجویی های شدید قرار داشت. او در اعتراض به این وضعیت به مدت ۴۲ روز در بند ۲۰۹ زندان اوین دست به اعتصاب غذا زده بود.

رسول بدایقی، رضا شهابی، حسن سعیدی، کیوان مهدی و سیسل کولر و ژاک پاری باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند



FREE THEM NOW

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO









CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN